



مقالات و اعلامیه های برگزیده
 از کار ۲۲۴ - چهارشنبه ۲۲ دی ۱۳۷۸

سرمقاله

بیش از همیشه همبستگی و بیش
 از همیشه قاطعیت لازم است!

یادداشت

رسوایی منادیان خشونت

شورای نگهبان صلاحیت بسیاری از
 کاندیداهای مجلس ششم را رد کرد

عبدالله نوری از زندان اوین
 به اظهارات خامنه‌ای پاسخ داد

طرح اصلاح قانون مطبوعات مسکوت گذاشته شد

فقط جناح راست نیست که کاندیداها را حذف می‌کند

نامه سرگشاده ۱۲۰ نفر از شخصیت‌های ملی
 و مذهبی کشور پیرامون انتخابات مجلس:

((غیرقانونی))ها کدامند؟

ماموران حکومت، تظاهرات مردم
 چاردانگه را سرکوب کردند

چرا فیلم اعترافات تهیه شد؟

((فعالان ملی - مذهبی)) کاندیداهای
 خود را اعلام کردند

شریعتمداری: تنها نبوده‌ام!

با کار تماس بگیرید

سرمقاله

بیش از همیشه همبستگی و بیش از همیشه قاطعیت لازم است!

هرچه به انتخابات ۲۹ بهمن مجلس نزدیکتر می‌شویم، عزم جناح راست حکومت به جلوگیری از اعمال رای مردم در این انتخابات آشکارتر می‌شود. جبهه انحصار در یک تلاش هماهنگ و سازمان‌دهی شده، همه اهرم‌ها را برای از دست ندادن مجلس به عنوان یکی از عوامل عمده بازدارنده اصلاحات به کار انداخته است. حرب‌های ((پروژه انتخاباتی)) جناح راست بسیار متفاوت است: همچون همیشه، شورای نگهبان سیستم سلاخی خود علیه نامزدهای ((غیر مطلوب)) را آماده می‌کند. اکثریت مجلس ضداصلاحات کنونی، پشت سرهم طرح‌های دوقوریتی به رای می‌گذارد تا از تعداد نمایندگانی که اصلاح‌طلبان به مجلس می‌فرستند بکاهد. حد نصاب لازم برای ورود به مجلس در مرحله اول انتخابات از یک‌سوم آرا به یک چهارم کاهش داده شده تا بلکه پخش شدن آرای اصلاح‌طلبان بین تعداد زیاد نامزدهای آنان و تمرکز آرای مخالفان بر یک نامزد راست‌گرا، باعث شود که کاندیداهای جناح راست در همان مرحله نخست به مجلس راه یابند. اما دشمنان آزادی صرفاً به استفاده از اهرم‌های قدرت بسنده نکرده‌اند. بهره‌گیری از تدبیر سیاسی، مکمل سودجویی‌های آنان از امکانات زر و زورشان است.

راستگرایان با به صحنه آوردن هاشمی رفسنجانی که در پی راندن عبدالله نوری به کنج زندان صورت گرفت، تاکتیک تجزیه جبهه دوم خرداد را در پیش گرفته‌اند. آنها، انسجام بخشیدن به نیروی خود را با تفرقه‌افکنی در جبهه مقابل تکمیل می‌کنند.

در مقابل، وضع در جبهه دوم خرداد با دشواری‌های بزرگی روبرو است. خبرها حاکی از این است که نمی‌توان با دیدی صرفاً خوشبینانه به انتخابات مجلس نگریست. رای قاطع مردم ایران به نفع اصلاحات بر کسی پوشیده نیست، اما مساله مهم این است که آیا این رای می‌تواند امکانات و مجاری مطمئنی برای رقم زدن سرنوشت مجلس ششم بیابد؟

توافق سه سال گذشته اصلاح‌طلبان حکومتی با همدیگر در مبارزه علیه راستگرایان انحصارطلب حکومتی - و در واقع یکپارچگی رای مردم - اکنون از دو سو مورد خطر قرار گرفته است. از یک سو جناح سازندگی در جبهه دوم خرداد که بارها و در سربزنگاه‌ها، سرنوشت خود را تابه انتخاب و تصمیم‌گیری سیاسی هاشمی رفسنجانی کرده است، یکبار دیگر به سمت راست تمایل یافته و بخشی از آنها خنجر بروتوس را در دست گرفته‌اند. از سوی دیگر در طیف جریان موسوم به چپ جبهه دوم خرداد نیز بین توسعه‌گرایان تحول‌خواه با بخش سنتی این جریان به ویژه مجمع روحانیون مبارز، هم در برخورد با جناح راست انحصارطلب و هم در تعیین موضع نسبت به رفسنجانی اختلاف پدید آمده است.

در چنین شرایطی که کمتر از یکماه و نیم به انتخابات مجلس ششم باقی مانده است، سؤال اصلی این است که با عزم قطعی جناح راست برای جلوگیری از شکست در انتخابات چگونه مقابله باید کرد. این پرسش به ویژه برای جناح چپ و تحول‌خواه اصلاح‌طلبان حکومتی مطرح است و چگونگی پاسخ آنها به این پرسش در فعل و انفعالات سیاسی پیش رو دارای اهمیت فراوان است.

یک سوی این موضوع، حفظ ائتلافی است که می‌تواند به پیروزی در انتخابات بیانجامد. نیروهای این جریان، تا آنجا که حاضر نیستند به هر قیمت صفوف جبهه دوم خرداد حفظ شود، محق‌اند. در واقع، آنها متکی به ارزش‌های نوینی که هویت‌بخش امروزین آنهاست و با تکیه بر آموزه‌های تجربه سیاسی خود از روندهای سیاسی دهه گذشته، نمی‌توانند به کسی چون رفسنجانی اعتماد کنند و نمی‌توانند گام در مسیری بگذارند که به تنزل آنها به نقش حاشیه‌ای و حتی نابودی سیاسی‌شان منجر شود. آنها نمی‌توانند انتظاری را که در مردم از خود پدید آورده‌اند به بهای نازل معامله‌های حقیر با راستگرایان برباد دهند. اما اینهمه به معنای آن نیست که تمام کوشش خود را برای بیشترین اتحادهای ممکن و در همانحال اصولی به کار نگیرند. افشاگری آنها علیه شخص رفسنجانی، هرگاه بیشتر و بیشتر در جهت مخالفت با برنامه‌ها و کارکردهای ((سردار سازندگی)) سمت گیرد و هرگاه متکی بر این واقعیت باشد که در طیف جناح سازندگی، متحدان هنوز نه چندان اندک را دارند، آنگاه می‌توانند بخشی از نقشه تفرقه افکنانه جناح راست حکومتی را خنثی کنند. می‌توان و باید کسی مانند رفسنجانی را که نشان داده است با اصول توسعه سیاسی و جامعه مدنی در تقابل بنیادین است، در لیست

انتخاباتی قرار نداد، اما در همانحال می‌توان و باید اتحاد و همسویی بزرگی از نیروهای غیر حکومتی آزادیخواه تا اصلاح‌طلبان حکومتی ولو مردم، را فراهم آورد.

به این واقعیت باید توجه اکید داشت که گسترش سیاست ائتلاف و همکاری تا مرزهای بیرون از جمهوری اسلامی، نیروی به مراتب بزرگتری را فراهم خواهد آورد، نیرویی که در بیرون از این مرزها ایستاده است و نباید اجازه داد سیاست مرتجعانه محافظه‌کاران و تردیدها و دودلی‌های موجود در جبهه دوم خرداد، تاثیر آن را به حداقل برساند.

سوی دیگر مساله این است که چگونه می‌توان با قصد شورای نگهبان برای تصفیه‌های گسترده مقابله کرد؟ سرنوشت انتخابات مجلس ششم و اصلاحات در ایران را تنها فهرست‌های انتخاباتی تعیین نمی‌کند. محدود کردن هر چه بیشتر قدرت انتخاب مردم یک خطر واقعی است که از سوی شورای نگهبان دنبال می‌شود.

علیرغم قدرت‌نمایی راستگرایان حاکم و توطئه‌ها و حیل‌های سیاسی آنان، اکثریت قاطع جامعه بیدار ایران پشتیبان نیروهای اصلاح طلب حکومتی هستند. این اکثریت قاطع هشیار هم، یعنی اکثریت قاطع رای در انتخابات مجلس ششم. سازمان‌دادن مقاومت همه‌جانبه علیه نظارت استصوابی شورای نگهبان نیاز فوری هفته‌های پرالتهاب پیش روی است، این مقاومت نباید منحصر به کاندیداهای این یا آن گرایش سیاسی باشد، باید به حذف هیچ کاندیدایی راضی نشد. باید به به شورای نگهبان و همه مرتجعین فهماند تصمیمات خودسرانه آن‌ها مورد پذیرش نخواهد بود و اگر ۵ نفری که قصد کرده‌اند به جای ۶۰ میلیون مردم ایران تصمیم بگیرند، بخواهند قدرت انتخاب مردم را بیش از این که هست محدود سازند، و کاندیداهای نمایندگی را یکی بعد از دیگری تصفیه کنند، آن‌گاه کل موجودیت خود را با خطری جدی مواجه ساخته‌اند و تصمیمات آنان می‌تواند با رای مردم بی‌اعتبار شود.

سازمان‌دادن مقاومت همه‌جانبه علیه نظارت استصوابی شورای نگهبان و کمک‌گیری از انعطاف‌های حداکثر در سیاست، ارائه لیست مشترک و متمرکز از سوی دیگر، به اعتقاد ما مهمترین مساله سیاسی لحظه کنونی است.

یادداشت

رسوایی منادیان خشونت

بسیار تکان‌دهنده بود، جوانی را در میدان شهر نیم ساعت طناب دار به گردن در انتظار نگه داشتند. او فقط ۱۷ ساله بود. چهره‌اش حتی کمتر نشان می‌داد. چند هزار نفر به تماشا ایستاده بودند. منتظر تماشای مرگ یک جوان؟ پدر مقتول به میدان آمد، به سوی جوان ۱۷ ساله رفت و قاتل فرزند را بخشید. او از اعدام نجات یافت. جمعیت به کف زدن پرداخت، به نشانه تنفر از مرگ.

جرم جوان ۱۷ ساله چه بود و جوان ۲۲ ساله دیگر چرا کشته شد. دو جوان، دو قربانی خشونت. در یک سو یک بسیجی ۲۲ ساله نمونه صدها هزار نفر دیگر. به او یاد داده‌اند پاسدار خشونت باشد، رسالت آن دارد بر وجدانیات انسان‌ها نظارت کند، تشخیص او برتر است، امر به معروف می‌کند، احساس می‌کند باید همواره دیگران را اصلاح کند. در مواقع مناسب از فحاشی و حمله و دستگیری باکی ندارد. به او آموخته‌اند مردم سفیهانی هستند که احتیاج به قیم دارند. پشت سر او دستگاهی و نظامی ایستاده است که تا به خود ولی فقیه می‌رسد.

جوان دیگر، پسرکی ۱۷ ساله بود، نمونه میلیون‌ها جوان ایرانی، ناهمساز بانظمی است که زور می‌گوید، ناهمساز با آن سازی که از او می‌خواهد نیندیشد، نخندد، نگاه نکند، رنگی نپوشد، به صف بایستد، قرآن بخواند، آن‌چه را که می‌گویند ممنوع بداند و آن‌چه را که می‌خواهند، الزامی. او سال‌ها ((نه)) به این الزام و آن ممنوعیت را در خود انباشته کرده است، نافرمانی‌هایی اینجا و آنجا بروز داده، ولی درونش انباشته از فریاد است.

آن روز، بسیجی به جوان می‌تازد که چرا سیگار می‌کشی؟ بهانه ماه رمضان است. به او اعتراض می‌کنند که چرا تعصب نشان می‌دهی، ولی بسیجی سرسخت است، امر اصلاح جهانی را از آن خود می‌داند، حریف یک جمع چند نفره نیست گستاخ‌تر حمله می‌کند. با او مقابله می‌کنند و در این بین، خشم فشرده، سرریز می‌کند. چاقویی درمی‌آید، و بسیجی کشته می‌شود. و جوانی که هنوز ۱۸ سالش هم نیست، اکنون دیگر قاتل است.

غوغایی می‌شود. آن دستگاه که پشت سر جوان بسیجی است و او را آموزش داده، معرکه‌گیری می‌کند. باید که زهر چشم گرفته شود. زیرا مدت زمانی است موج مردم فزاینده‌ای به مقابله با آمران امر به معروف و ناهیان نهی از منکر برخاسته است. دادگاه تشکیل می‌شود. ۵ روز زمان کافی است تا قاتل به مرگ محکوم شود. زرمه‌هایی از سوی مردم در مقابله با مرگ جوان ۱۷ ساله به گوش محکوم‌کنندگان می‌رسد. می‌گویند که اگر او اعدام شود، غوغایی می‌شود. مشکلی دیگر هم در پیش است. اعدام کمتر از سن قانونی، مخالف کنوانسیون حقوق کودک است. چطور می‌شود آشکارا او را به دار آویخت؟ مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند، پنهانی تمهیداتی فراهم می‌شود.

پس از منتفی شدن مرگ در میدان، دفتر خامنه‌ای، کمیسیون حقوق بشر اسلامی، شهردار تهران از پدر مقتول تجلیل می‌کنند که عطوفت نشان داده است و ضدخشونت عمل کرده است. منادیان بیست سال خشونت، آنها که مسئول ناهنجاری‌های روانی نسلی هستند، گستاخانه به نقش ضدخشونت می‌گروند و تبلیغات به راه می‌اندازند. آنها هنوز امر اصلاح مردم را از آن خود می‌دانند، آن‌ها خشونت را به صورتی انبوه تولید می‌کنند. و اینان فراگیرتر امر به معروفشان را به مقابله ایستاده‌اند. برخورد بعدی چگونه و کی صورت خواهد گرفت؟

شورای نگهبان صلاحیت بسیاری از کاندیداهای مجلس ششم را رد کرد

در حالیکه اکثریت محافظه‌کار مجلس با شتاب در صدد تصویب قوانین تازه و اصلاح قانون انتخابات به گونه‌ای است که راه را بر پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات آتی مجلس سد کند، خبرها حاکی از آن است که شورای نگهبان به طور گسترده‌ای دست به تصفیه کاندیداهای مخالف زده است و تقریباً همه کاندیداهای غیروابسته به حکومت و همچنین گروه وسیعی از کاندیداهای وابسته به جناح چپ حکومت را رد صلاحیت کرده است.

رد صلاحیت گسترده کاندیداها

هر چند قرار است نتیجه ((بررسی))‌های شورای نگهبان در مورد کاندیداهای نمایندگان مجلس ششم در تاریخ بیستم بهمن ماه اعلام شود، اما خبرهایی که به روزنامه‌ها راه یافته است، بیانگر رد صلاحیت گسترده در ابعادی کاملاً بی‌سابقه است. به نوشته روزنامه‌ها کاندیداهای نهضت‌آزادی، کاندیداهای وابسته به روشنفکران ملی و مذهبی و بسیاری از کاندیداهای مورد حمایت ائتلاف روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران توسط هیات نظارت شورای نگهبان رد صلاحیت شده‌اند. تیغ تصفیه، بسیاری از نزدیکان رئیس‌جمهور را نیز نشانه رفته است. شورای نگهبان به ویژه گروه عمده‌ای از کاندیداهای وابسته به جناح چپ ائتلاف حکومتی دوم خرداد را تصفیه کرده است. به نوشته روزنامه ایران محسن آرمین، عباس عبدی، بهزاد نبوی، هاشم آغاچری، حمیدرضا جلالی‌پور، هادی خامنه‌ای و همچنین ((جمع کثیری)) از فعالان ملی و مذهبی صلاحیتشان توسط شورای نگهبان رد شده است.

پیش از رسیدن کاندیداها به خوان شورای نگهبان، هیات‌های اجرایی وزارت کشور نیز گروهی از داوطلبان نمایندگی را حذف کردند. در میان رد صلاحیت‌شدگان توسط هیات‌های اجرایی که به بیش از چهار صد نفر بالغ می‌شوند، نام‌های محمد ملکی، پرویز ورجاوند، علی‌اکبر معین‌فر و حشمت‌الله طبرزدی به چشم می‌خورد. در حالیکه این افراد خواستار ارایه دلایل رد صلاحیت خود شده‌اند، هنوز توضیح رسمی در مورد دلایل حذف آن‌ها داده نشده است. اما گفته می‌شود عدم صلاحیت این عده به استناد بند ۳ و ماده ۴ از بند ۲۰ قانون انتخابات که وابستگان تشکیلاتی و هواداران احزاب و گروه‌های غیرقانونی را از شرکت در انتخابات منع کرده، صورت گرفته است.

پایان ملاحظه‌کاری

وحشت از شکست قریب الوقوع در انتخابات ماه آینده مجلس، جناح ارتجاعی و ضدآزادی حکومت اسلامی را برآن داشته است بدون هیچ‌گونه ملاحظه و پرده‌پوشی به سمت محدود کردن بازهم بیشتر دامنه انتخاب مردم برود و مخالفین خود را چه از طریق تصویب قوانین رسوا در مجلس و چه از طریق نظارت استصوابی شورای نگهبان قلع و قمع کند.



شورای نگهبان برای انتخابات مجلس ششم، رویه کاملاً تازه‌ای پیش گرفته است و از آن‌جا که بنا بر مصوبه مجمع تشخیص مصلحت موظف شده است دلایل رد صلاحیت کاندیدها را به آن‌ها اعلام کند، به دنبال یافتن دلیل رد صلاحیت‌ها، اقدامات خلاف قانون و عرف را آشکارا دنبال می‌کند.

یکی از شرم‌آورترین اقدامات این شورا، پخش پرسشنامه بین ((متشرعین)) و یا عوامل وفادار به محافظه‌کاران در شهرستان‌ها و همچنین محلات تهران است که ((استعلام)) نام دارد. در این پرسشنامه‌ها در مورد انجام ((فرائض دینی))، حضور کاندیدها در نمازهای جمعه، حضور آنان در راه‌پیمایی‌های حکومتی، سابقه اظهارات علیه جمهوری اسلامی و ولایت فقیه و سایر رفتار و احوال شخصی کاندیدها پرسش شده است. در این فرم استعلام سوالاتی نیز در مورد وابستگی کاندیدها به گروه‌های سیاسی ((غیرقانونی)) وجود دارد و این معیارها، جزو معیارهای تعیین صلاحیت کاندیدها قرار داده شده است.

آبستراکسیون و شکست طرح یک‌مرحله‌ای کردن انتخابات

گروهی از نمایندگان وابسته به دولت با ترک مجلس، آن را از اکثریت انداختند تا مانع از تصویب طرح یک مرحله‌ای کردن انتخابات شوند. تحت فشاری که بر اثر این اقدام به موقع حاصل آمد، در رای‌گیری روز دوشنبه گذشته، این طرح رای نیاورد و بار دیگر از سوی مجلس رد شد. پیشنهاددهنده این طرح محمدرضا باهنر، عضو سرشناس جناح اکثریت مجلس بود، که در یک اقدام کاملاً غیرقانونی، پیشنهاد خود را در غالب طرح دیگری که مجلس در حال رسیدگی به آن بود گنجانید و هیات رئیسه مجلس نیز از این اقدام غیرقانونی حمایت کرد. هدف از طرح یک مرحله‌ای کردن انتخابات آن بود که با توجه به اغتشاش و ناهماهنگی که در بین نیروهای اصلاح‌طلب وجود دارد و تعدد کاندیدهای آنان، شانس کاندیدهای جناح محافظه‌کار که منسجم‌تر عمل می‌کنند را افزایش دهند.

علیرغم رد این پیشنهاد، اکثریت مجلس با عجله و شتاب رسواکننده‌ای در صدد تصویب قوانینی است که شانس کاندیدهای وابسته به خود را در انتخابات افزایش دهد. در هفته گذشته قانونی به تصویب رسید که به موجب آن حداقل میزان آرا برای ورود به مجلس در دور اول را تا ۲۵ درصد آرا کاهش داد. این میزان تا پیش از این برابر با ۳۳ درصد بود. همچنین مطابق قوانین دیگری، فعالیت‌های تبلیغاتی انتخاباتی به شدت محدود شد و چاپ پوستره‌های رنگی و بزرگ از سوی کاندیدها ممنوع گردید. مجلس بخشی از وقت خود را به این موضوع پرداخت که ((اندازه تراکت‌های)) انتخاباتی چقدر باشد! هدف این قوانین آن است که کاندیدهای کمتر مشهور که امکان حضور در برنامه‌های تلویزیونی و روزنامه‌های کثیرالانتشار را ندارند، برای مردم ناشناخته بمانند.

اعتراض علیه اقدامات خودسرانه شورای نگهبان

گروهی از شخصیت‌های ملی و مذهبی کشور با انتشار نامه سرگشاده‌ای نسبت به اقدامات خودسرانه شورای نگهبان اعتراض کرده و خواهان تغییر قانون انتخابات شدند.

در این نامه که به امضای ۱۲۰ نفر از فعالین سیاسی کشور رسیده نخست از برخوردهای هیات‌های اجرایی وابسته به وزارت کشور که گروهی از کاندیدها را رد صلاحیت کردند، انتقاد شده است.

همچنین گروهی از شخصیت‌های وابسته به جناح چپ حکومت نیز در نامه سرگشاده‌ای خطاب به رئیس‌جمهور، نسبت به برخوردهای شورای نگهبان هشدار داده‌اند و از او خواسته‌اند با توجه به اختیارات قانونی خود در حفاظت از قانون اساسی اقدام کند.

انتظار می‌رود با رویه‌ای که شورای نگهبان پیش گرفته است، در روزها و هفته‌های آتی اعتراضات گسترده‌تر و پردامنه‌تری علیه نظارت استصوابی شورای نگهبان و قوانین ضددموکراتیک ناظر بر انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی صورت گیرد.

اکنون پرسش عمومی این است که این اعتراضات چقدر دامنه خواهد گرفت و آیا خواهد توانست شورای نگهبان را وادار به عقب‌نشینی کند؟

عبدالله نوری از زندان اوین به اظهارات خامنه‌ای پاسخ داد:

دادگاه ویژه روحانیت غیرقانونی است و اراده هیچ مقامی نمی‌تواند آن را قانونی سازد

در حالی که عبدالله نوری همچنان در زندان به سر می‌برد، نام او در صدر فهرست کاندیداهای جناح چپ رادیکال وابسته به حکومت قرار دارد. تلاش محافظه‌کاران برای وادار کردن نوری به تجدیدنظر در عقاید خود میسر نشده است و حتی آن‌ها نتوانستند نوری را به ((تجدیدنظر))خواهی از دادگاه ویژه روحانیت - که معنای آن پذیرش قانونیت این دادگاه است - راضی سازند. عبدالله نوری در یک اقدام هوشمندانه، به جای خطاب قرار دادن دادگاه ویژه روحانیت، از دادستانی کل درخواست ((نقض حکم)) صادره علیه خویش را کرد. نوری در نامه‌ای که از زندان منتشر کرد، در پاسخ به سخنان چندی پیش علی خامنه‌ای رهبری جمهوری اسلامی، بار دیگر قانونی بودن این دادگاه را رد کرد و بطور مستقیم با نظرات رهبر جمهوری اسلامی مخالفت کرد.

عبدالله نوری در نامه خود نوشت:

((مقام رهبری در پاسخ به پرسش‌های متعدد دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در تاریخ یکم آذر ۷۸ دادگاه ویژه روحانیت را قانونی دانستند. واضح است که قانون در عرف حقوقی تعریفی مشخص دارد که از سوی مراجعی معین با تشریفات خاص صادر می‌شود. قانون اساسی از سوی مجلس خبرگان قانون اساسی و قوانین عادی از سوی مجلس شورای اسلامی وضع می‌شوند و غیر از این دو نهاد برای هیچ‌کس حق وضع قانون پیش‌بینی نشده است. مجلس شورای اسلامی نیز تنها در چارچوب ضوابط قانون اساسی حق وضع قانون را دارد. دادگاه ویژه روحانیت نه تنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی نشده است بلکه با توجه به اصول متعدد آن غیرقانونی است و اراده هیچ مقامی نمی‌تواند آن را قانونی سازد. تمسک به واژه ((ولایت مطلقه فقیه)) که در اصل ۵۷ قانون اساسی به کار رفته نیز در این راه کارساز نیست. برابر ذیل اصل ۵۷ ولایت مطلقه برطبق اصول قانون اساسی اعمال می‌گردد و اصل ۱۱۰ قانون اساسی و برخی اصول دیگر محدوده وظایف و اختیارات مقام رهبری را احصا کرده است. واضح است که رهبر قانونا فارغ از وظایف و اختیارات مصرح در قانون اساسی، وظیفه و اختیاری در حوزه عمومی و سیاسی ندارد و اگر جز این باشد قانون اساسی لغو بوده و نظام جمهوری اسلامی مورد نظر حضرت امام و خواست مردم در سال ۵۷ را به ساختاری سلطنتی بازخواهد گرداند. بنابراین اراده رهبری تنها از مجاری قانونی نافذ و مطاع است.

نوری ضمن پذیرش اصل ولایت فقیه در نامه خود بار دیگر تاکید می‌کند که مقام ولایت دارای اختیارات نامحدود نیست و محکوم به قوانین جاری است. وی نوشت: ولایت مطلقه فقیه به معنی اختیارات بی‌حد و مرز نیست. ولی فقیه مانند همه آحاد مردم محکوم قوانین کشور است و نمی‌تواند در منطقه ممنوعه قوانین عمل و اقدام کند.

طرح اصلاح قانون مطبوعات مسکوت گذاشته شد

تلاش نمایندگان جناح راست برای تغییر قانون مطبوعات پیش از انتخابات مجلس، شکست خورد و با رای نمایندگان جناح چپ حکومت و ((مستقل))ها، این طرح به مدت سه ماه و تا بعد از انتخابات مجلس مسکوت گذاشته شد. پیشنهاد مسکوت ماندن طرح فوق از سوی دوازده نفر از نمایندگان به هیات رئیسه مجلس داده شده بود. موافقین تصویب طرح، در سخنان خود، بیش از پیش قصد واقعی خود برای تصویب این قانون را آشکار کردند. رئیس حزب الله مجلس به ((نگرانی مقام معظم رهبری از قلم‌های مسموم)) اشاره کرد و گفت: نباید اجازه دهیم این قلم‌های جنایتکار و تشنج آفرین صحنه انتخابات را به آشوب و تشنج بکشانند.

در جریان رای‌گیری هیات رئیسه مجلس بار دیگر کوشید در نتیجه رای‌گیری اعمال نفوذ کند. در رای‌گیری که به صورت قیام و قعود صورت گرفت اعلام شد مسکوت ماندن طرح اصلاح قانون مطبوعات تصویب نشده است، اما با اعتراض برخی از نمایندگان نسبت به نتیجه این رای‌گیری، رای‌گیری کتبی با ورقه به عمل آمد و از ۱۵۸ نماینده حاضر ۱۱۱ تن به این تقاضا رای موافق و تنها ۴۷ نفر رای مخالف و ممتنع دادند.

این طرح ماهها موضوع کشاکش حادی در جامعه بود. روزنامه‌نگاران، روشنفکران و دانشجویان برای لغو و یا تعویق آن مبارزه گسترده‌ای را پیش بردند و سرانجام مجلس را مجبور ساختند تا برگزاری انتخابات مجلس ششم، این قانون را که دشمنان آزادی قصد داشتند به وسیله آن، مطبوعات را سرکوب کنند، به عقب‌بیااندازد.

فقط جناح راست نیست که کاندیداها را حذف می‌کند

در آستانه انتخابات ششمین دوره مجلس، اصلاح‌طلبان حکومتی از جناح راست و ارگان‌های وابسته به محافظه‌کاران مانند شورای نگهبان به حق انتقاد می‌کنند که چرا می‌خواهند با به کار بستن انواع و اقسام شیوه‌های ((قانونی)) و شبه قانونی، جلوی جاری شدن اراده مردم در رای‌گیری ۲۹ بهمن را بگیرند. از جمله، نظارت استصوابی شورای نگهبان و عملکرد آن در دوره‌های قبلی انتخابات، برای اصلاح‌طلبان جای خوش‌بینی به نتایج بررسی ((صلاحیت)) کاندیداها از سوی شورای نگهبان و هیات‌های نظارت منصوب آن نگذاشته است. باور عمومی بر این است که شورای نگهبان نهایت سعی خود را خواهد کرد از طریق حذف کاندیداها به بهانه‌هایی مانند عدم التزام عملی به ولایت فقیه، به جبهه دوم خرداد لطمه وارد آورد. تلاش‌های شورای نگهبان و اکثریت محافظه‌کار مجلس برای ایجاد شرایط نابرابر در انتخابات به سود مخالفان اصلاحات، موضوع اعتراضات کمابیش گسترده‌ای در محافل اصلاح‌طلبان حکومتی است. این اعتراضات مورد حمایت همه نیروهای آزادیخواه و از جمله سازمان ما نیز هست.

اما صداقت اصلاح‌طلبان حکومتی در این انتقاداتشان از شرایط غیردمکراتیکی که راست‌ها ایجاد کرده‌اند، زمانی زیر سؤال می‌رود که می‌بینیم تنها جناح راست نیست که دست‌اندرکار حذف مخالفان و دگراندیشان از فهرست نامزدهای انتخاباتی است.

به این که اصلاح‌طلبان حکومتی و جناح حاکم در ممانعت از حضور احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون و از جمله سازمان ما در انتخابات همدستند، تقریباً عادت کرده‌ایم. در حذف و تصویب اپوزیسیون لائیک جمهوری اسلامی، تا کنون از سوی اصلاح‌طلبان حکومت صدای اعتراضی به گوش نرسیده است، در این مورد همداستانی‌ها در این بیست سال در حکومت کامل بوده است. اما اخبار رسیده نشان می‌دهد جناح اصلاح‌طلب رژیم نیز ((اپوزیسیون قانونی)) را تیغ تصفیه بی‌نصیب نگذاشته است.

پیش از آنکه هیات‌های نظارت شورای نگهبان بررسی ((صلاحیت)) نامزدها را شروع کنند، هیات‌های اجرایی وزارت کشور که پیرو سیاست‌های خاتمی و موسوی لاری وزیر کشورند، از ۶۸۶۰ داوطلب نمایندگی مجلس، نام ۴۰۱ را حذف کردند. نگرانی از این اقدام، زمانی بیشتر می‌شود که می‌خوانیم حذف گروهی از این عده (که ۴۸ نفر آنها می‌خواستند از تهران کاندید شوند) به استناد مواد ۲۸ و ۳۰ قانون انتخابات بوده است. این دو ماده مقرر می‌دارد شرایط نامزدی مجلس از جمله عبارت است از اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام، ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل ولایت مطلقه فقیه و عدم محکومیت به جرم اقدام علیه جمهوری اسلامی. همه این شرایط شرایطی سیاسی است که تا کنون در دوره‌های مختلف انتخابات دستاویز حذف نیروهای شده‌اند که اعلام کرده‌اند در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند. این بار نیز به گزارش روزنامه صبح امروز شماره ۸ دی، اسامی پرویز ورجاوند از جبهه ملی ایران، علی‌اکبر معین‌فر از نهضت آزادی ایران و حشمت‌الله طبرزدی از فعالان جنبش دانشجویی و محمد ملکی رئیس سابق دانشگاه تهران در زمره حذف‌شدگان توسط هیات‌های اجرایی وزارت کشور است.

این اقدام غیردمکراتیک وزارت کشور در مطبوعات بازتاب چندانی نیافت، در حالی که هر کس به شیوه‌های جناح راست برای انحصاری کردن مجلس ششم معترض است، باید از حذف حداقل چهار چهره سرشناس که قلم خوردن آنان از فهرست نامزدها تنها می‌تواند دلیل سیاسی داشته باشد، قاطعانه انتقاد کند. اصلاً مهم نیست که گفته شود هیات‌های اجرایی از میان ده‌ها کاندیدای غیروابسته به جناح‌های حکومت ((تنها)) چهار نفر را حذف کرده‌اند. کسی که به نقض حقوق حتی یک نفر از شهروندان رضایت دهد و بالاتر از آن خود عامل نقض این حقوق باشد، چگونه می‌تواند مدعی دموکراسی و آزاداندیشی باشد؟ مردم چگونه باور کنند نیرویی که خود دست‌اندرکار حذف دگراندیشان است، در انتقاد خود به انحصارطلبی جناح راست، جدی است و در صورتی که خود اکثریت را به دست آورد، به انحصارطلبی ادامه نخواهد داد؟

اکنون آزمایش بزرگتری در پیش است. خبرها حاکی از حذف گسترده کاندیداهای غیرحکومتی نمایندگی مجلس توسط شورای نگهبان است. آیا این بار، نیروهای اصلاح طلب حکومتی در برابر حذف غیرحکومتی‌ها از لیست کاندیداها قاطعانه خواهند ایستاد یا اعتراضات خود را تنها به حذف کاندیداهای خود محدود خواهند کرد؟ خواست مردم و نیروهای آزادیخواه از دولت خاتمی این است که با دفاع پیگیر از حضور نیروهای غیرحکومتی در عرصه انتخابات، تعهد واقعی خود را به آنچه درباره رعایت حقوق مردم می‌گوید نشان دهد.

نامه سرگشاده ۱۲۰ نفر از شخصیت‌های ملی و مذهبی کشور پیرامون انتخابات مجلس: بدون اصلاح قانون انتخابات، مجلس دموکراتیک نخواهد بود

گروهی از شخصیت‌های ملی و مذهبی کشور با انتشار نامه سرگشاده‌ای نسبت به اقدامات خودسرانه شورای نگهبان اعتراض کرده و خواهان تغییر قانون انتخابات شدند.

در این بیانیه، نخست ضمن انتقاد از هیات‌های اجرایی وابسته به وزارت کشور که صلاحیت گروهی از کاندیداها را رد کردند، آمده است ((برخی از این افراد در هیچ دادگاهی محاکمه نشده و هیچ مستند قانونی علیه آنها وجود و یا برخی از گروه‌ها در هیچ دادگاه صالحه‌ای محاکمه نشده و غیرقانونی اعلام نگردیده‌اند. در همین رابطه ندارد

باعث تعجب است که در سطح کشور نیز رویه واحدی وجود نداشته و افرادی با هویت فکری، سیاسی، تشکیلاتی یکسانی در برخی نقاط رد صلاحیت شده و در بعضی مراکز تایید گردیده‌اند!!))

این بیانیه می‌افزاید: ((نکته دوم که خارج از اراده وزارت کشور است، نواقص بنیادی قانون انتخابات است که براساس آن عده زیادی از نامزدهای صاحب رای و کارشناس به عنوان دگراندیش، غیر ((معتقد)) به برخی عقاید و ((غیروفادار)) به برخی قرائت‌های دینی و یا به اتهام داشتن محکومیت سیاسی رد صلاحیت می‌شوند. محکومیت سیاسی بسیاری از افراد، بویژه در دهه ۶۰، در دادگاه‌هایی غیرقانونی صورت گرفته است، دادگاه‌هایی سیاسی بدون حضور هیات منصفه، بدون وکیل مدافع، بدون حق تجدیدنظر خواهی و حتی بدون اطلاع از مفاد پرونده تا روز دادگاه! و اکنون بر همگان آشکار شده است که تا ((قانون انتخابات)) براساس اهداف اولیه انقلاب و مبتنی بر شعار ((ایران برای همه ایرانیان)) اصلاح نشود و تا رویه کنونی نظارت استصوابی لغو نگردد؛ هم انتخابات دو مرحله‌ای خواهد بود (که در یک مرحله آن فقط شورای نگهبان به جای کل مردم رای خواهد داد) و هم نامزدها و سخنگویان بخش مهمی از مردم همواره حذف خواهند شد و بدین ترتیب بخشی از مردم و افکار عمومی در مجلس بدون نماینده خواهند شد و مجلس تشکیل شده نمی‌تواند مجلسی دموکراتیک و نماینده همه مردم باشد)).

در این بیانیه همچنین آمده است: ((یکی از وظایف مهم نمایندگان اصلاح طلب در مجلس ششم اصلاح قانون انتخابات است. بدون اصلاح قانون انتخابات و بدون دوری گزیدن از حساسیت‌های خودی - غیرخودی توسط کارگزاران حکومت، روند اصلاحات در کشور ناقص و عقیم خواهد ماند. این نامه را ۱۲۰ نفر از شخصیت‌های ملی و مذهبی کشور امضا کرده‌اند.

((غیرقانونی))ها کدامند؟

در جمهوری اسلامی ایران همه چیز به سوی ((قانونیت)) پیش می‌رود. چندی پیش مجلس شورای اسلامی در اصلاحیه قانون انتخابات رسماً تصویب کرد که نه تنها ((گروه‌های غیرقانونی)) بلکه ((هواداران)) آن‌ها نیز حق شرکت در انتخابات را ندارند و به این ترتیب حذف دگراندیشان را یک گام دیگر نیز قانونی ساخت.

به دنبال این مصوبه، دادگاه انقلاب فهرستی از گروه‌ها، احزاب و سازمان‌های ((غیرقانونی)) را برای وزارت کشور فرستاده است که مطابق آن، هیات‌های اجرایی باید صلاحیت وابستگان به این احزاب و گروه‌ها را رد می‌کردند. وزارت کشور به استناد به همین مصوبه گروهی از کاندیداهای غیروابسته به حکومت را حذف کرده است. اما نه دادگاه انقلاب و نه وزارت کشور، هیچ کدام فهرست مذکور را فاش نکرده‌اند. برخی روزنامه‌ها، اطلاعاتی در باره آن منتشر کرده‌اند. از جمله روزنامه صبح امروز نوشته است: دادگاه انقلاب مجاهدین خلق، حزب دموکرات

کردستان ایران، نهضت آزادی ایران، جنبش مسلمانان مبارز (جاما) و انجمن حجتیه را از جمله گروه‌های غیرقانونی معرفی کرده است.

نه وزارت کشور و نه دادگاه انقلاب و نه دیگر نهادهای حکومت اسلامی تاکنون توضیح نداده‌اند که اعضای این فهرست مخفی مطابق با کدام قانون و در کدام دادگاه‌های قانونی ((غیرقانونی)) و ((منحله)) شده‌اند. ظاهراً این فهرست آن قدر بی‌اعتبار و غیرقابل دفاع است که تهیه‌کنندگان آن ترجیح داده‌اند از انتشار علنی آن و پاسخگویی احتمالی درباره آن خودداری کنند!

ماموران حکومت، تظاهرات مردم چاردانگه را سرکوب کردند

ماموران حکومت تظاهرات مردم شهرک چاردانگه در حوالی تهران را با خشونت سرکوب کردند. بنا به گزارش‌ها، کمبود امکانات معیشتی و رفاهی مدت‌هاست که اهالی این شهرک را تحت فشار گذاشته است و گذران زندگی را هر روز بر آن‌ها سخت‌تر می‌کند. بسیاری از مردم این شهرک در آلودگی زندگی می‌کنند و از امکانات اولیه نظیر آب آشامیدنی سالم و برق نیز محروم هستند. مقامات حکومت تا کنون اعتراضات و شکایات اهالی این شهرک را بی‌پاسخ گذاشته‌اند. مردم محروم این منطقه به دلیل همین کمبودها، خواهان جدایی از اسلامشهر و پیوستن به تهران هستند تا شاید آنان نیز از ((برکات)) پایتخت حکومت اسلامی بهره‌ای ببرند و حکومت گری از مشکلات آنان بگشاید.

در ۱۲ دی ماه گذشته، سرانجام مردم این شهرک در اعتراض به شرایط مشقت‌بار زندگی خود، در جاده اصلی شهرک تجمع کردند. بر اثر این تجمع جاده تهران به ساوه از ساعت ۱۰ صبح تا ۴ بعدازظهر با ترافیکی سنگین مواجه شد. روزنامه‌ها تعداد تظاهرکنندگان را حدود هزار نفر اعلام کردند، اما گزارش شاهدین عینی حاکی از تجمع انبوه گسترده‌ای از مردم بود. تظاهرات اهالی چاردانگه با دخالت نیروهای انتظامی و پلیس ضدشورش حکومت به خشونت انجامید و مردم با روشن کردن آتش و پرتاب چوب و سنگ به سوی ماموران، با آنان که قصد متفرق کردنشان را داشتند به مقابله برخاستند. بر اثر درگیری بین مامورین و مردم، به تعدادی از ساختمان‌های منطقه آسیب وارد شد. تاکنون گزارشی از مجروحین و دستگیرشدگان این حادثه نرسیده است.

قابل ذکر است اخبار مربوط به تظاهرات مردم چاردانگه و سرکوب آنان توسط نیروهای انتظامی تنها در چند روزنامه، به صورتی بسیار مختصر و ناکامل منتشر شد و اکثر روزنامه‌ها ترجیح دادند از کنار این حادثه بگذرند و یا اجازه نیافتند درباره آن گزارش واقعی منتشر کنند. اما سکوتی که حکومت در برابر این تظاهرات پیشه کرد، واقعیت را عوض نمی‌کند. شرایط زندگی مردم ایران روز به روز سخت‌تر می‌شود و سقوط شدید سطح زندگی نارضایتی و اعتراضات مردم را به دنبال خواهد آورد. امروز در چاردانگه و فردا در شهر و یا شهرکی دیگر. سرکوب خشونت‌بار این تظاهرات تنها بر دامنه آتش خواهد افزود.

چرا فیلم اعترافات تهیه شد؟

مصاحبه محسن امین‌زاده نماینده رئیس‌جمهور در هیات بازبینی فیلم ((اعترافات متهمان قتل‌های زنجیره‌ای)) در نخستین نگاه، شاید خبر مهمی جلوه نکند، اما اندکی درنگ در پاسخ‌های وی به پرسش‌های روزنامه صبح امروز و اظهارات اخیر محمد نیازی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح علیه وکلا و روزنامه‌نگارانی که پرونده قتل‌ها را پیگیری می‌کنند، نشان می‌دهد چهره‌های پشت‌پرده قتل‌های زنجیره‌ای هم چنان در تلاشند تا نگذارند جستجو و پی‌گیری پرونده به مقامی بالاتر از سعید امامی برسد.

فیلم ((اعترافات)) که با همکاری سازمان قضایی نیروهای مسلح و دوستان سعید امامی و محفل روزنامه کیهان تهیه شده، بعد از ماجرای خودکشی سعید امامی، دومین سناریویی است که طراحان قتل‌های زنجیره‌ای برای صحنه پایانی بستن پرونده قتل‌ها نوشته‌اند. در فیلم ((اعترافات))، متهمان اصلی پرونده فقط کسانی هستند که تاکنون دستگیر شده‌اند. قتل‌های زنجیره‌ای فقط محدود به چهار قتل اخیر است، از آمران قتل‌ها و کسانی که مقتولان را ((مرتد)) و ((ناصبی)) خوانده و ریختن خون آنان را ((واجب)) دانسته‌اند، سخنی در میان نیست و مسئولیت‌های مربوط به طراحی، برنامه‌ریزی و اجرای قتل‌ها برگردن افرادی گذاشته شده که در سلسله مراتب

وزارت اطلاعات و کمیته ویژه عملیات در رده‌های پایین‌تر از سعید امامی قرار دارند. یکی از متهمان، مصطفی کاظمی مدیرکل پیشین اداره اطلاعات و امنیت استان فارس می‌باشد که بنا به نوشته علوی‌تبار، روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب، در جمع عاملان و آمران قتل‌ها بعد از سعید امامی در رده هشتم جای دارد.

فیلم ((اعترافات)) که محمد نیازی مدعی بود نمایش آن به سوال‌های مردم پاسخ می‌گوید و حقایق روشن می‌شود، قرار بود روز ۲۸ آبان از سیمای جمهوری اسلامی پخش شود، اما سناریوی قاتلان تحت فشار افکار عمومی، مطبوعات مستقل و دخالت خاتمی برهم ریخت و پخش فیلم موکول به بازبینی مجدد شد. طبق اظهارات امین‌زاده، فیلم ((اعترافات)) بنابه درخواست شورای امنیت ملی در جلسه‌ای با حضور ۱۵ نفر از نمایندگان صدا و سیما، دفتر رهبری، خبرگزاری جمهوری اسلامی، شورای عالی امنیت ملی، وزارت اطلاعات و سازمان قضایی نیروهای مسلح بازبینی شد و در پی آن شورای امنیت ملی تصمیم گرفت از نمایش فیلم جلوگیری شود. توقف پخش فیلم اعترافات، بنابه نظر حجاریان موقتی است و امین‌زاده نماینده خاتمی به تنهایی نمی‌تواند از نمایش آن جلوگیری کند.

از نظر محسن امین‌زاده نماینده رئیس‌جمهور، فیلم اعترافات به این دلیل پخش نشد که دارای ((نواقص جدی)) است و برای سوالات اساسی جامعه درباره پرونده پاسخ روشن و اطمینان‌بخش ندارد و حتی ابهام‌آفرین است. نماینده رئیس‌جمهور معتقد است فیلم باید به این سوالات پاسخ می‌داد که چه کسانی، چگونه و چرا دست به این جنایت زده‌اند؟ وی سپس اضافه می‌کند: ظاهراً چگونگی جنایات روشن است و حداقل بخشی مهمی از جنایتکاران نیز دستگیر شده‌اند.

یافتن انگیزه قاتلان از نظر امین‌زاده، مهمترین سوال پرونده قتل‌های زنجیره‌ای است. در این زمینه بدون شک نماینده رئیس‌جمهور در میان مردم ایران کمتر کسی را می‌تواند بیابد که با او هم‌نظر باشد. از نظر مردم، انگیزه قاتلان روشن است. کیست که نداند چه کسانی و با چه هدفی فتوای قتل فروها، مختاری، پوینده، پیروز دوانی و... را صادر کردند. نماینده رئیس‌جمهور اگر درباره انگیزه قاتلان ابهام دارد، با طرح آن در مصاحبه مطبوعاتی ابهام خود را به جامعه تسری می‌دهد و به سود چهره‌های پشت‌پرده قتل‌ها عمل می‌کند. کشف انگیزه قاتلان، اگر هم برای تامین امنیت اجتماعی و ثبات سیاسی مهم باشد، ابتدا باید آمران اصلی قتل‌ها معرفی‌ها شوند. بدون معرفی آمران قتل‌ها، بررسی انگیزه‌ها ابهام‌آفرین است.

ابهام نماینده رئیس‌جمهور و طرف‌گفتگوی وی درباره اهمیت معرفی آمران قتل‌ها، در کل مصاحبه بازتاب دارد و در گفتگوی نسبتاً طولانی طرفین مصاحبه‌علیرغم پیش کشیدن ده‌ها پرسش برای نشان دادن نقاط ضعف فیلم اعترافات، حتی یک بار هم به موضوع آمران قتل‌ها نمی‌پردازند. نه از این زاویه فیلم اعترافات زیر سوال می‌رود و نه سازمان قضایی نیروهای مسلح به علت عدم پیگیری آمران قتل‌ها مورد بازخواست قرار می‌گیرد. معرفی آمران، گره اصلی پرونده است و فیلم اعترافات با همکاری سازمان قضایی نیروهای مسلح و وزارت اطلاعات برای جلوگیری از طرح موضوع معرفی آمران قتل‌ها تهیه شده است. درباره هدف تهیه‌کنندگان فیلم اعترافات، امین‌زاده در مصاحبه خود که روزنامه‌ها آن را با عنوان ((چرا فیلم اعترافات پخش نشد))، چاپ کرده‌اند می‌گوید: ((تهیه‌کنندگان فیلم تصور می‌کردند با نمایش این فیلم می‌توانند به تمامی یا لاقلاً عمده ابهامات و سوالات درباره پرونده قتل‌ها در یک دوره زمانی طولانی پاسخ دهند)).

فیلم ((اعترافات)) اکنون آماده است. آیا با پخش این فیلم تب و تاب‌ی که مردم برای معرفی عالیجنابان خاکستری نشان می‌دهند، طبق تصور تهیه‌کنندگان فیلم فروکش خواهد کرد و یا عطش جامعه برای دانستن همه حقایق بیشتر خواهد شد؟

((فعالان ملی - مذهبی)) کاندیداهای خود را اعلام کردند

((فعالان ملی - مذهبی)) با صدور بیانیه شماره ۲ خود، فهرست نامزدهای انتخاباتی خود برای مجلس ششم را اعلام کردند. هاشم آغاچری، ابوالفضل بازرگان، محمد بسته‌نگار، هرمیداس باوند، محمد بورقانی، محمد بهزادی، حبیب‌الله پیمان، غلامعباس توسلی، محمد توسلی، فریبرز رییس‌دانا، علیرضا رجایی، احمد زیدآبادی، عزت‌الله سبحانی، میثم سعیدی، ژاله شادی‌طلب، ژیلای شریعت‌پناهی، هاشم صباغیان، اعظم طالقانی، نرگس طالقانی، محمود عمرانی، نظام‌الدین قهاری، الهه کولایی، علی‌اکبر معین‌فر، محمد ملکی، مرضیه مرتاضی لنگرودی (پیمان)، محمدجواد مظفر، عبدالله نوری، محمود نکوروح، پرویز ورجاوند و ابراهیم یزدی کاندیداهای ((ملی - مذهبی)) برای انتخابات مجلس هستند.



شریعتمداری: تنها نبوده‌ام!

افشاگری‌های پی در پی روزنامه‌های وابسته به جناح دوم خرداد علیه حسین شریعتمداری، مدیر مسئول روزنامه کیهان و فرد مورد اعتماد سعید امامی، هنوز او را از میدان بیرون نکرده است. روزنامه‌های دوم خرداد، و خود حسین شریعتمداری نیز، فاش کرده‌اند که مدیر مسئول کنونی روزنامه کیهان، بازجوی ویژه بسیاری از زندانیان سیاسی بوده است و آن‌ها را با ((روش‌های ویژه)) ((تواب)) کرده است. حسین شریعتمداری، به ((پروژه تواب‌سازی)) خود می‌بالد و آن را بزرگ‌ترین افتخار خویش در خدمت به نظام جمهوری اسلامی می‌داند، اما او به این پرسش پاسخ نمی‌دهد که چرا ((گفتمان)) وی با زندانیان دربند (حسین شریعتمداری بر شکنجه زندانیان سیاسی نام ((گفتمان)) نهاده است)، تنها در چارچوب‌های زندان‌ها و در شرایطی کاملاً نابرابر ((نتیجه)) داده و چرا او نتوانسته است حتی یک مورد از محصولات خویش در ((پروژه تواب‌سازی)) را که در خارج از زندان‌ها صورت گرفته باشد، به کسی معرفی کند.

با این حال شدت افشاگری علیه حسین شریعتمداری به میزانی شدید است که در هفته‌های گذشته، شایعه برکناری او از مدیریت کیهان بر سر زبان‌ها افتاد. شریعتمداری اما در برابر این فشارها هنوز مقاومت می‌کند و با زبانی رساتر و آدرس‌هایی دقیق‌تر اعلام می‌کند که در پروژه تواب‌سازی تنها نبوده است!

به نوشته روزنامه عصر آزادگان، مدیرمسئول کیهان درباره ((بحث و گفت و گو))ی خود با زندانیان سیاسی طی سال‌های گذشته گفته است: ((دعوت از اینجانب برای بحث و گفت‌وگو با زندانیان، از جانب مجید انصاری (رهبر جناح اقلیت مجلس فعلی - ((کار)) - صورت گرفته بود که ایشان نیز توسط آیت‌الله موسوی اردبیلی به ریاست سازمان زندان‌ها منصوب شده بود)). حسین شریعتمداری که در جمع طلاب مدرسه معروف حقانی قم سخن می‌گفت رابطه خود با سعید امامی را بار دیگر تکذیب کرد و گفت: ((در آن هنگام سعید امامی یک کارمند ساده در بخش خارجی وزارت اطلاعات بود و بنابراین نمی‌توانست با جریان بحث و گفت و گو با زندانیان کمترین نقش و رابطه‌ای داشته باشد)). وی افزود: ((ظاهراً عوامل پشت صحنه جریان نفاق جدید که به ماموران خود دستور توهم پراکنی می‌دهند، فراموش کرده‌اند که ماموران خود را توجیه کنند، زیرا ارتباطی که ادعا می‌کنند اگر صحیح باشد، الزاماً باید پذیرفت که سعید امامی اهداف خود را از طریق ارتباط با حضرت آیت‌الله موسوی اردبیلی و یا آقای مجید انصاری دنبال می‌کرده است و بدیهی است که این طور نبوده است و ماموران این جریان خرنده از سوی کانون ماموریت خود توجیه نشده‌اند)). وی درباره ((بحث و گفت و گو))ی خود با احسان طبری گفت: ((در این باره هم عوامل پشت صحنه، ماموران خود را خوب توجیه نکرده‌اند، زیرا ماجرای بحث و گفت‌وگو با اعضای حزب توده مربوط به زمانی است که هنوز وزارت اطلاعات تشکیل نشده بود، بنابراین چگونه سعید امامی توانسته در آن ماجرا دست داشته باشد؟)). حسین شریعتمداری در ادامه گفت: ((آیا این تعجب‌آور نیست کسانی که هم‌اکنون از دست‌اندرکاران و مسئولان روزنامه‌های مدعی دوم خرداد هستند و سعید امامی را برای کارهای اطلاعاتی گزینش کرده‌اند و هنگام تشکیل وزارت اطلاعات او را به وزارتخانه منتقل کرده‌اند، علی‌رغم آنکه ادعا می‌کنند نسبت به او بدبین بوده‌اند، او را از یک مامور اطلاعاتی به پست مدیرکلی منصوب کرده‌اند، اکنون که بایستی به خاطر اقدام خود در مقابل جریان قتل‌های مشکوک پاسخگو باشند؛ ارتباط و همفکری نزدیک خود با عاملان قتل‌ها را انکار می‌کنند)).



با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90
شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

<http://www.fadai.org/>
fadai.aksariyat@magnet.at

آدرس کار در اینترنت :
آدرس پست الکترونیکی :

I.G.e.v : آدرس پستی
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان
بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک
سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک :
مدت اشتراک : شش ماهه یک ساله تاریخ :

Name: نام :

Address: نشانی :

.....
.....
.....
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)
به آدرس فوق پست کنید!

I.G.e.v : دارنده حساب
22 44 20 32 : شماره حساب
37 05 01 98 : کد بانک
Stadtsparkasse : نام بانک
Köln
Germany